

بررسی گلشنهای ارتفاعات شمال تهران

دکتر حسن دیبافت نژاد ، محمد کرام الدینی

گروه زیست شناسی - دانشکده علوم - دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

مقدمه

گلشنها از همزیستی قارچ و جلبک به وجود می آیند. قارچهای شرکت کننده در تشکیل گونه های مختلف گلشنی گروه قارچهای کیسه ای و گاهی از گروه بازیداران و جلبکها شرکت کننده از گونه های سبز - آبی و سبز به حالت تک سلولی یا رشته ای هستند. این دو جاندار همزی آنچنانا همبستگیهایی دارند که از اتحاد آنها جاننداری حاصل می آید که نه قارچ است و نه جلبک و در نامگذاری علمی نام مستقل از جلبک و قارچ به آنها داده می شود.

گلشنها در طبیعت و در زندگی آدمی نقش فراوان دارند. از آن جمله می توان به نقش مهم آنها در خاک سازی و اسرار جوامع گیاهی اشاره کرد. زیرا در مناطق کوهستانی با تعین سطح تخته سنگها و افزودن مواد آلی به خاک جز اولین سطح هایی هستند که محیط را برای ورود سایر گونه ها مساعد می کنند. برخی از جانوران در بعضی از فصلها از گلشنها تغذیه می کنند. گلشنها ممکن است اثرات تخریبی نیز داشته باشند از آن جمله رویش گلشنهای رورست (اپی فیت) و گلشنهای پوسته نشین (بویژه روی پوست درختان جوان میوه) که باعث به تاخیر افتادن رشد آنها می شوند.

به منظور شناسایی گلشنهای ارتفاعات شمال تهران منطقه ای واقع در میان دره فرحزاد، امامزاده داود و گلاب دره تا قلعه توچال انتخاب شد و از دوازده ایستگاه آن نمونه برداری انجام گرفت. ریشه این گلشنها که همگی صخره نشین هستند به صورتهای پوسته ای، برگزی، بوته ای و پولکی می باشند. در این منطقه بیشترین سطح زیر پوشش مربوط به گلشنهای پوسته ای است که نسبت به تنشهای حاصل از تغییرات شدت نور، خشکی و سرما مقاومتر هستند. گلشنهایی مانند *Xanthoria elegans* و *Lecanora muralis* را می توان در سراسر منطقه یافت در صورتی که گلشنهای سرده *Umbilicaria* تنها در ارتفاع بیش از سه هزار متری می رویند.

از میان نمونه های مختلف تنها سه گلشن به نامهای

- *Dermatocarpon miniatum* var *miniatum*.
- *Squamaria gypsacea*
- *Xanthoria elegans*

نسبت به آلودگی هوا مقاوم اند و همراه با دو گلشن دیگر *Lepraria membranacea* و *Parmelia* sp. در منطقه آلوده سرزند یافت می شوند. در این مقاله شرح ۲۰ گلشن در سطح گونه و ۷ گلشن در سطح سرده آورده شده و چگونگی توزیع آنها در ارتباط با عوامل محیطی مانند ارتفاع، جهت شیب، رطوبت و آلودگی هوا مورد بحث قرار گرفته است.

۱۵ درجه سانتیگراد است و در سال حدود ۹۰ روز دمای کمتر از صفر و ۱۲۰ روز بالاتر از ۳۰ درجه سانتیگراد دارد. فصل سرما از آذرماه آغاز و حدود ۳ تا ۴ ماه به درازا می کشد. بالاترین درجه گرمای سال در مرداد ماه است. ولی هیچگاه در این منطقه دما به بالاتر از ۳۵ درجه نمی رسد. به علت قرار گرفتن کویر در جنوب این رشته کوهها، جریانهای خفیفی بین این مناطق و کویر از شمال به جنوب (در شب) و از جنوب به شمال (در روز) وجود دارد. پوشش گیاهی ناچیز بوده و به همین علت فرسایش خاک زیاد و نیز به خاطر یخچندهای فصلی تخریب سنگها شدید بوده و همه جا آثار تخریب سنگها مشاهده می شود.

روش کار

قبل از شرح روشهای کار، شناسایی و نامگذاری لازم است وسایل و شناساگرهای مورد استفاده در این پژوهش را توضیح دهیم (Ozenda, P., Clauzade, G.):

الف - ابزارها: ذره بین جیبی، میکروسکوپ استریو، میکروسکوپ نوری، پنس نوک تیز، سوزن و تیغ برای تهیه برش، ب - شناساگرهای شیمیایی: ریسسه و پنگان (apothecium) بسیاری از گلشنها در برابر بعضی از مواد شیمیایی رنگین می شوند و از این رنگ پذیری برای شناسایی آنها استفاده می شود. شناساگرهای به کار رفته عبارت اند از:

- ۱- پتاس (K^+ , OH) با علامت اختصاری K به حالت محلول اشباع شده.
- ۲- محلول هیپوکلریت سدیم (NaOCl) با علامت اختصاری C: یک حجم محلول تجارتنی به اضافه یک حجم آب مقطر.
- ۳- محلول یدید پتاسیم ($I_2 + KI$) با علامت اختصاری I: محلول اشباع یدید پتاسیم + کمی ید.

سنگها بویژه در پزشکی اهمیت دارند از آن جمله تعدادی سینههای پوستی در آدمی ممکن است به خاطر گلشنها روزه استخراج برخی از آنتی بیوتیکها علیه باکتریها و پلی ساکاریدهای ضد سرطان از گلشنها بر اهمیت رده است. علاوه بر اینها بعضی از انواع گلشنها بازی تولید نیکساور و لوازم آرایش، رنگ سازی و به عنوان غذا مورد استفاده انسان هستند. گلشنها شاخص آلودگی محیط باشند و به کمک آنها میزان محیط و مرز آلودگیها را مشخص ساخت.

وجود اهمیت نقش گلشنها، تاکنون بررسی قابل درباره این جانداران در کشور ما صورت نگرفته و بجز های بسیار پراکنده و جزئی که گاه و بیگاه توسط از گیاه شناسان خارجی با هدف بررسی فلور ایران بردیده. گام مهم و جدی در این باره برداشته نشده و به می توان گفت که فلور گلشنی ایران تاکنون ناشناخته اند است. پژوهشی که نتیجه آن اینک تقدیم می شود. در نخستین گامی است که در راه شناسایی گلشنهای این صورت می گیرد، به این امید که این مقاله انگیزه ای در شناسان جوان برای ادامه کار به وجود آورد و در آینده آن دور، فلور گلشنی ایران به طور کامل معرفی شود.

مناطق مورد پژوهش

مناطق مورد بررسی که جز، بخش کوهستانی روشهای - توزانی است. در دامنه جنوبی رشته کوههای البرز قرار گرفته است (شکل ۱). بلندترین بخش دامنه جنوبی مرکزی که در برابر شهر تهران است. قله توجال با بلندی متر از سطح دریاست. به طور کلی منطقه دارای آب و کوهستانی معتدل است. میانگین باران سالانه آن نزدیک به ۱۰۰۰ میلی متر برآورد شده که حدود نیمی از بارش سالانه در زمستان و بیشتر بارندگی در ماههای آذر تا دی است. در حدود ۶۰ - ۹۰ روز آن ابری و میانگین دمای سالانه ۱۰ تا

۱۵ درجه سانتیگراد است و در سال حدود ۹۰ روز دمای کمتر از صفر و ۱۲۰ روز بالاتر از ۳۰ درجه سانتیگراد دارد. فصل سرما از آذرماه آغاز و حدود ۳ تا ۲ ماه به درازا می کشد. بالاترین درجه گرمای سال در مرداد ماه است. ولی هیچگاه در این منطقه دما به بالاتر از ۳۵ درجه نمی رسد. به علت قرار گرفتن کویر در جنوب این رشته کوهها، جریانهای خفیفی بین این مناطق و کویر از شمال به جنوب (در شب) و از جنوب به شمال (در روز) وجود دارد. پوشش گیاهی ناچیز بوده و به همین علت فرسایش خاک زیاد و نیز به خاطر یخچندانهای فصلی تخریب سنگها شدید بوده و همه جا آثار تخریب سنگها مشاهده می شود.

روش کار

قبل از شرح روشهای کار، شناسایی و نامگذاری لازم است وسایل و شناساگرهای مورد استفاده در این پژوهش را توضیح دهیم (Ozenda, P., Clauzade, G.):

الف - ابزارها: ذره بین جیبی، میکروسکوپ استریو، میکروسکوپ نوری، پنس نوک تیز، سوزن و تیغ برای تهیه برش.
ب - شناساگرهای شیمیایی: ریمه و پنگان (apothecium) بسیاری از گلشنها در برابر بعضی از مواد شیمیایی رنگین می شوند و از این رنگ پذیری برای شناسایی آنها استفاده می شود. شناساگرهای به کار رفته عبارت اند از:

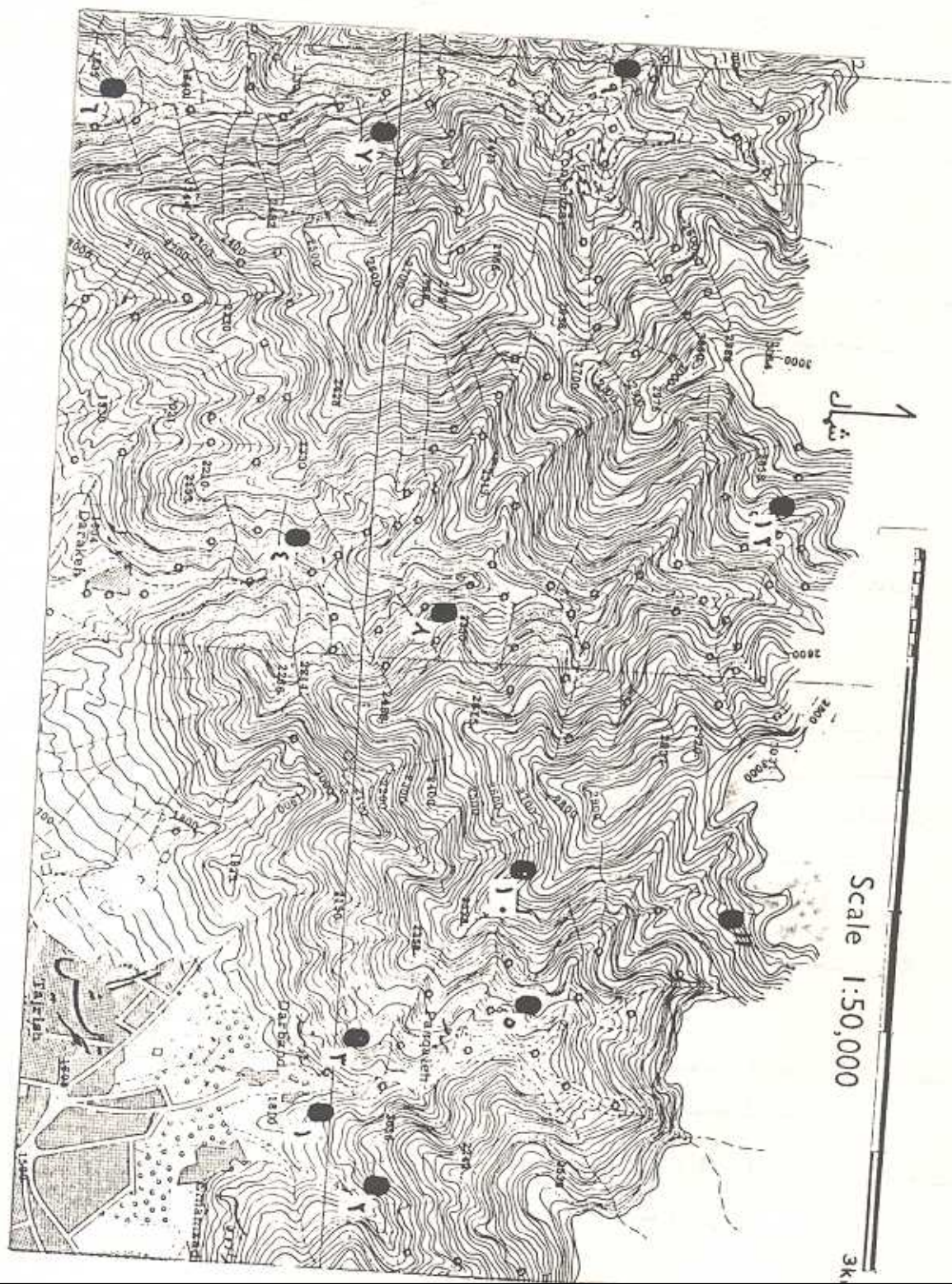
- ۱- پتاس (K^+ , OH) با علامت اختصاری K به حالت محلول اشباع شده.
- ۲- محلول هیوکلریت سدیم (NaOCl) با علامت اختصاری C: یک حجم محلول تجارتي به اضافه یک حجم آب مقطر.
- ۳- محلول ید پدوره ($I_2 + KI$) با علامت اختصاری I: محلول اشباع یدید پتاسیم + کمی ید.

سنگها بویژه در پزشکی اهمیت دارند از آن جمله تعدادی سینههای پوستی در آدمی ممکن است به خاطر گلشنها سروزه استخراج برخی از آنتی بیوتیکها علیه باکتریها و پلی ساکاریدهای ضد سرطان از گلشنها بر اهمیت روده است. علاوه بر اینها بعضی از انواع گلشنها بازی، تولید نیکساتور و لوازم آرایش، رنگ سازی و به عنوان غذا مورد استفاده انسان هستند. گلشنها شاخص آلودگی محیط باشند و به کمک آنها میزان محیط و مرز آلودگیها را مشخص ساخت.

وجود اهمیت نقش گلشنها، تاکنون بررسی قابل درباره این جانداران در کشور ما صورت نگرفته و بعضی های بسیار پراکنده و جزئی که گاه و بیگاه توسط از گیاه شناسان خارجی با هدف بررسی فلور ایران گردیده، گام مهم و جدی در این باره برداشته شده و به می توان گفت که فلور گلشنی ایران تاکنون ناشناخته اند است. پژوهشی که نتیجه آن اینک تقدیم می شود، در نخستین گامی است که در راه شناسایی گلشنهای این صورت می گیرد. به این امید که این مقاله انگیزه ای در شناسان جوان برای ادامه کار به وجود آورد و در آینده آن دور، فلور گلشنی ایران به طور کامل معرفی شود.

ای منطقه مورد پژوهش

منطقه مورد بررسی که جز، بخش کوهستانی رویشهای - توراتی است، در دامنه جنوبی رشته کوههای البرز قرار گرفته است (شکل ۱). بلندترین بخش دامنه جنوبی ریزی که در برابر شهر تهران است، قله توحال با بلندی متر از سطح دریاست. به طور کلی منطقه دارای آب و کوهستانی معتدل است. میانگین باران سالانه آن نزدیک لیتر برآورد شده که حدود نیمی از بارش سالانه در زمستان و بیشتر بارندگی در ماههای آذر تا دی است. در حدود ۶۰ - ۹۰ روز آن ابری و میانگین دمای سالانه ۱۰ تا



شکل ۱: ایستگاههای نمونه برداری با بقیه رنگ در نقشه مشخص شده اند.

ج - بررسی پارافیزها، برای مطالعه پارافیزها، آسکوکارپ را خرد کرده و به مشاهده میکروسکوپی آن می‌پرداختیم؛ وضعیت پارافیزها از نظر چسبیده بودن آنها به یکدیگر، شاخه دار بودن و وجود انواع روزنها با استفاده از لاکتوفنل، مشخص می‌شد.

د - بررسی مشکو (آسک) ها: ریخت، ابعاد و حضور گنبد (tolus) با استفاده از شناساگر I مطالعه شد.

ه - بررسی هاگها: اندازه هاگها با استفاده از لامهای میکرومتریک و ساختار آنها با استفاده از شناساگر K شناسایی شد.

و - چگال هاگ (پیکنیدیوسپور) ها: در بخشهایی از ریشه که اندامهای زایشی ندارند به جستجو و مطالعه آنها می‌پرداختیم.

روش نامگذاری

نام گلشنکها را بر پایه نامهای موجود در مراجع مهم برگزیدیم (فهرست در کتابنامه آمده است) و برای اطمینان بیشتر ویژگیهای هر گونه با سایر تالیفات سنجیده شد و چنانچه نام مترادفی وجود داشته پس از علامت اختصاری syn. و بعد از نام اصلی گونه، آورده شده است.

شرح ویژگیهای گلشنکهای مورد بررسی

۱- *Acaerospora* sp. ریشه پوسته ای، بی لب، هاله دار، قهوه ای تیره، مغز ضخیم. کناره های ریشه به دشواری پیدا، دارای آپوتسی های تیپ آسی سیلیایی (شکل ۲)، لبه آپوتسی ها هم رنگ ریشه با دیک تیره تر از رنگ ریشه، سطح یا کمی گود، پارافیزها بی شاخه، بدون روزنه های همدهان، هاگها چند صدتایی، بی تیغه و بی رنگ، ریشه، سنگ آهک نشین، یوری فوتیک، واقع در ایستگاههای ۲ و ۳.

۲- *Aspicilia* sp. ریشه پوسته ای بی لب، هاله ای، به رنگ خاکستری تیره، آپوتسی ها بی لبه، فرو رفته در ریشه، رنگ دیک قهوه ای، پارافیزها پر شاخه، دارای روزنه های همدهان.

سید نیتریک ($\text{NO}_3^- \cdot \text{H}^+$) با علامت اختصاری N: $\frac{1}{3}$ یارتی اسید نیتریک + $\frac{2}{3}$ آب.

پارافنیل دی آمین با علامت اختصاری P: یک سانتیمتر ل اتیلیک + یک صدم گرم P.

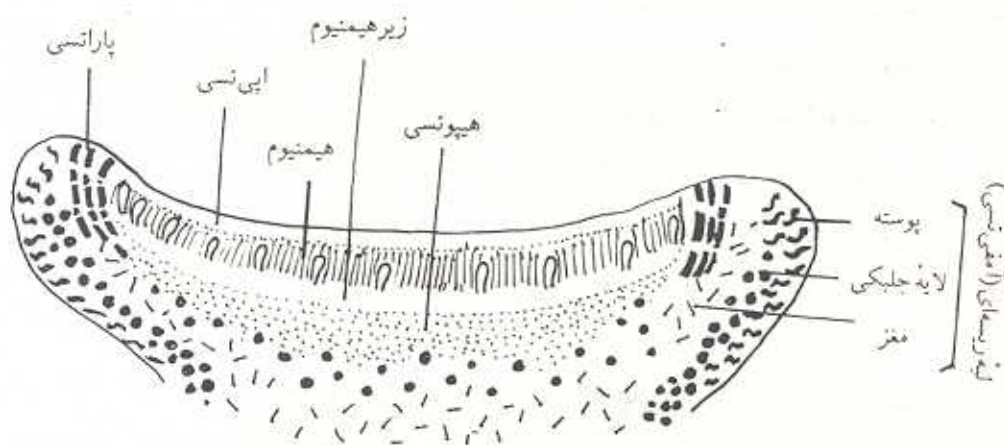
سای

سای گلشنکها از راه بررسی ویژگیهای ریخت شناختی کمک شناساگرهای شیمیایی انجام شده است (Ozenda, P., Clauz).

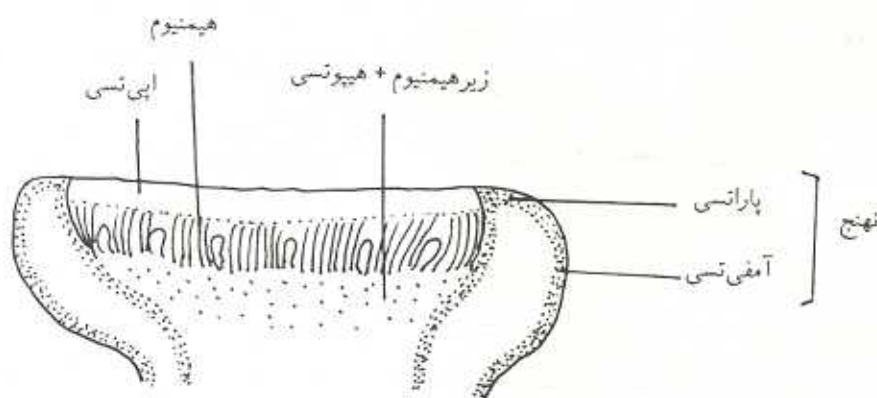
- بررسی ریشه: از نظر رنگ، ریخت و ساختار ضرور اندامهای غیرهاگزی، ماهیت جلبک و اثر آنها بر بخشهای مختلف ریشه کاملاً پادداشت می‌شد. بی اثر شناساگرها، نخست برش نازکی از ریشه تهیه و یک قطره از هر یک از شناساگرها را روی آن ریخته و پس از پوسته گلشنک پادداشت می‌شد. در مواردی که به بودن رنگ ریشه اثر شناساگرها بر آن قابل مشاهده نیکه ای از کاغذ صافی ماده معرف را از روی ریشه رنگ آن را که روی کاغذ صافی مشخص می‌شد، می‌کردیم.

بررسی آسکوکارپ: ریخت، رنگ، ترتیب قرار گرفتن اسکوپ (ascocarp) پادداشت می‌شد. برای مشاهده اثر بر این ساختار از میکروسکوپ استفاده می‌کردیم. در مورد مطالعه دو نوع آسکوکارپ به نام "آپوتسی" و (شکل ۲ تا ۵) یافت شد.

بررسی آپوتسی ها: رنگ، بلندی، وجود بلور و ذرات چنین واکنش با معرفها در اپی تسی، هیمینوم، و نهنج (بارتسی + آمفی تسی) آنها مورد مطالعه و بررسی پری تسی ها: مشخصات بخشهای تشکیل دهنه نهنج مطالعه گردید.



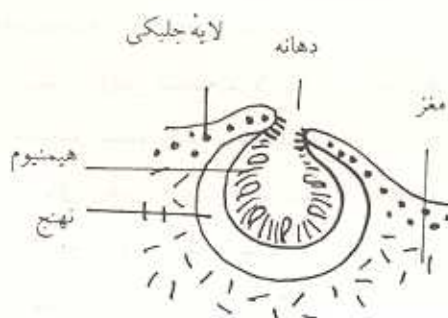
شکل ۲: یک آپوتسی لکانوری متعلق به گلستگ *Rhizoplaca chrysoleuca* که در ایستگاه ۱۱ یافت شده است.



شکل ۳: یک آپوتسی لسیده ای متعلق به گلستگ *Lecidea sp.* که در ایستگاه ۵ یافت شده است.



شکل ۴: یک آپوتسی آسپی سیلیایی متعلق به گل‌سنگ *Acarospora* sp. که در ایستگاه ۳ یافت شده است.



شکل ۵: یک پری تسی متعلق به گل‌سنگ *Dermatocarpon* که در ایستگاه ۳ یافت شده است.

۷- *Dermatocarpon weberi* (Ach.) Mann: همانند گونه های قبلی (شماره ۵ و ۶). اما سطح رویی آن بی غبار. رنگ ریشه خاکستری مایل به سفید اما در اثر آب دادن سبز رنگ می شود. سطح زیرین بدون ریزش با رنگ قهوه ای روشن. دارای پری تسی موجود در شکاف سنگهای ایستگاههای ۱۱ و ۱۲.

۸- *Lecanora albula* (Nyl.) Hue: ریشه پوسته ای. شکافی - هاله ای است. سطح رویی آن سفید آردی. هاله ها بسیار نازک. ریشه دارای آپوتسی و رنگ دیسک قهوه ای. در ارتفاعات بالا بر صخره های رو به خورشید ایستگاههای ۳ و ۵ می روید.

۹- *Lecanora muralis* (Schreb.) Rabenh. (syn. *L. saxicola* (Poll.) Ach.): ریشه نازک، دارای شکلهای بسیار مختلف. به رنگ سبز مایل به خاکستری. پوسته ای و لپدار با انتهای مسطح یا گنود. لپهای پیرامونی بلند. در مرکز، محکم به تکیه گاه می چسبد. لایه جلبیکی آن ناپوسته و به صورت توده های گروهی شکل. ریشه دارای آپوتسی با دیسک مسطح یا برآمده و قهوه ای کم رنگ. در سراسر منطقه پیشتر بر صخره های رو به غرب می روید.

۱۰- *Lecidea atrobrunnea* (Ram. ex Lam. et DC.) Schaer: ریشه پوسته ای بی لب. هاله ای - شکافدار و به رنگ قهوه ای تیره. هاله ها ضخیم (تا ۳ میلیمتر) بوده. سطح آنها مسطح تا کمی گنود. وجود خط سیاه هیوتال در پیرامون ریشه. ریشه دارای آپوتسی. هیوتسی آن بی رنگ اما اپی تسی سبز مایل به آبی. آپوتسی ها درون ریشه ای. ریشه سنگ نشین - آهک گریز. رویش در سراسر منطقه.

۱۱- *Lepraria membranacea* auct.: ریشه پوسته ای پیوسته، کاملاً دانه ای. دارای لبه های مشخص و به رنگ زرد روشن. ریشه نازک، همیشه سایه نشین، گاه خزه نشین واقع در ایستگاههای ۱، ۲، ۳، ۴، ۶.

هاگها ۲ - ۸ تایی. بیضی شکل. بی تیغه و بی رنگ. سنگ نشین. آهک گریز. واقع در ایستگاههای ۸ و ۱۲.

۳- *Aspicilia coronata* (Massal) B. de Lest (syn. *A. laurensii* B. de Lest): ریشه پوسته ای. بی لب. شکافدار با کناره های مشخص. خاکستری تیره در برخی از بخشها سفید کم رنگ. ریشه داوای پیکیدی. دارای آپوتسی (۳۰ میلیمتر) بدون لایه جلبیکی، کاملاً درون ریشه ای. گرد یا نامنظم. دیسک قهوه ای. هاگها چهارتایی. گروهی تا کمی بیضی شکل. فراوان بر تخته سنگهای آهکی رو به غرب و شمال در ایستگاههای ۲، ۳ و ۶.

۲- *Buellia* DeNot: ریشه هاله ای - پولکی ناپوسته. قهوه ای تیره مایل به سبز. دارای آپوتسی. هیوتسی بیرنگ اما اپی تسی آن تیره رنگ است. دیسک آپوتسی ها مسطح. ریشه سنگ نشین - آهک نشین بوده و در ایستگاههای ۱۱ و ۱۲ یافت می شود.

۵ و ۶- *Dermatocarpon minutum* (L.) Mann: ریشه برگی لافدار و سطح زیرین بدون ریزش. سطح بالایی آن غباردار و از یک تا چند پولک تشکیل شده. ریشه با پایک باریکی به تکیه گاه می چسبد و لبه های آن مایل به بالاست. بر سطح ریشه پری تسی های پراکنده و فرو رفته. انتشار جهانی و همیشه سنگ نشین معمولاً در شکافهای سنگها. سقف غارهای روشن و فرو رتگیهای صخره ها. موجود در سراسر منطقه. در برابر آلودگی هوا مقاوم. از این گونه دو وارته در منطقه یافت می شود.

الف - *D. minutum* var. *minutum*: که به صورت پولکهای منفرد یا چندتایی در کنار یکدیگر قرار دارند. سطح زیرین آن کم رنگ و لبه های ریشه رو به بالاست.

ب - *D. minutum* var. *complicatum* (Lightf.) Hellb.: سطح بالایی ریشه خاکستری. پولکها به تعداد زیاد و مجتمع. انبوه و رو به بالا هستند.

اهمیت پژوهش بر روی گلشنکها

گلشنکها از دیدگاههای مختلف مورد توجه مهمترین آنها عبارتند از:

۱- به وجود آوردن یک پوشش زنده در مناطقی عاری از پوشش گیاهی بوده و امکان استقرار گیاه وجود ندارد.

۲- آماده ساختن محیط برای استقرار جوامع عمل خاک سازی و غنی کردن خاک از مواد آلی.

۳- نقش گلشنکها در تولید و انجام فتوسنتز یکی از دو همزی (جلیک).

۴- منظر بسیار دلپذیری که در طبیعت استرومیکروسکپ به وجود می آورند.

۵- مصارف خوراکی برای انسان و جانوران: گلشنک *Cetraria islandica* به عنوان ماده (نعیم) برده اند. زیرا مصرف خوراکی و دارویی دارد. گلشنکهای مناطق سردسیر نمی بودند. برای بسپا آن مناطق امکان زیست فراهم نمی شد.

۶- مصارف صنعتی بویژه در عطرسازی، رنگ سازی و غیره.

۷- از سال ۱۹۶۲ اثرات ضدسرطانی مولکولهای گلشنکها بررسی قرار گرفته و نتایج جالبی حاصل آمده است.

۸- خواص ضد قارچی بویژه آنچه مراد از آنباری است.

۹- خواص ضد باکتریایی: این خاصیت از مولکولهای گلشنکها استفاده بوده است. ولی از ۱۹۲۲

وی با روش علمی درباره ویژگیهای ضدباکتریایی از گلشنکها بر روی باسیلوس سوبتیلیس بررسی کرده اند و آخرین پژوهش مربوط به آن است که اثر ضد باکتریایی گلشنک را علیه باسیل و استافیلوکوک طلایی به اثبات رسانیده است.

۲۳- *Umbilicaria hirsuta* (Sw. ex Wesrt.) Hoffm.

ریسه مرکب از یک یا چند پولک ۱۵ سانتیمتری بدون مژک. سطح رویی ریسه خاکستری و سطح زیرین قهوه ای و کمابیش تیره روشن. سطح زیرین پوشیده از ریزندهای نخ مانند، کوتاه و بدون انشعاب. واقع در ایستگاههای ۱۱ و ۱۲ روی تخته سنگهای غیرآهکی.

۲۴- *Umbilicaria microphylla* (Laur.) Massal.

ریسه دارای پولکهای متورم در لبه. سطح زیرین ریسه تیره تر از سطح رویی. سطح رویی خاکستری روشن. آپوتسی ها دارای پایک کوتاه و دپک مسطح.

۲۵- *Umbilicaria nylanderiana* (Zahlbr.) H.

Magn. (syn. *U. corrugata* (DC.) Nyl.) ریسه دارای یک پولک حدود یک سانتیمتری بدون مژک و ریزین دار. ریزینها بی شاخه و کوتاه سطح بالایی ریسه قهوه ای تیره پوشیده با شبکه ای از رگهای برآمده. برآمدگی رگها اندک. مرکز ریسه فاقد شبکه. سطح زیرین ریسه تیره رنگ نزدیک به سیاه.

۲۶- *Umbilicaria polyphylla* (L.) Baumg.

گلشنک شبیه گلشنکهای شماره ۲۲ و ۲۵ اما در مواردی با آنها تفاوت دارد: سطح رویی و زیرین آن کاملاً مسطح و فاقد برآمدگی رگ مانند روی آنها. سطح زیرین آن گاه سیاه رنگ و فاقد رنگ سفید در مرکز. لبه های ریسه به رنگ خاکستری روشنتر. ریسه معمولاً چند پولکی.

۲۷- *Xanthoria elegans* (Link.) Hue

گلشنک مانند گلشنکهای برگری بی ناف. اما در ظاهر شبیه به ریسه پوسته ای لپدار است. لپها سخت، سیموسی، اندکی گود و باریک و به تدرت مسطح. ریسه به رنگ نارنجی و با تمام سطح زیرین خود چسبیده به تکیه گاه. دارای آپوتسی های هم رنگ با ریسه با هاگهای ۸ تایی. این گونه در سراسر منطقه وجود دارد. صخره - آهک نشین یا پوسته نشین و خز نشین و مقاوم در مقابل آلودگی هوا.

همه گلنگها بزرگتر. گزانتورباست که گاهی پهنه هایی به قطر ۵۰ سانتیمتر را می پوشاند.

پیشنهادهات

از آنچه درباره اهمیت پژوهش بر روی گلنگها گفته شد و همچنین مسائل جنبی دیگر، ایجاب می کند که به این رشته از زیست شناسی که تاکنون در کشور ما نادیده گرفته شده، توجه بیشتری شود و از این راه افقهای تازه ای برای پژوهشگران جوان فراهم آید. همین کار پژوهشی که در این مقاله ارائه شد، موجب گردید تا انگیزه ای در یکی از دانشجویان به وجود آید تا پایان نامه خود را تحت عنوان اثرات ضد قارچی و ضد باکتریایی ۵ گونه از گلنگهای معرفی شده در این مقاله متمرکز ساخته و نتایج جالبی که از نظر علمی و کاربردی دارای اهمیت فراوانی است به دست آورد.

کتابنامه

الف - فارسی:

- ۱- آکسوپولوس، جان کنستانتین، (ترجمه مهندس ابراهیم بهداد)، (۱۳۵۱)، اصول قارچ شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- جعفری، مهندس عباس، (۱۳۶۸)، گیاهشناسی ایران - جلد اول کوفنامه های ایران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیاهشناسی.
- ۳- مهریان، میرزائی، (۱۳۷۲)، اثر ضد باکتریایی ۵ گونه از گلنگهای شمال تهران بر سویه هایی از باکتریهای آلوده کننده کشتهای گیاهی، سمینار انجمن زیست شناسان.
- ۲- هنلین، ریچارد تی، (ترجمه دکتر مامرخ فلاحتی رستگار)، (۱۳۷۰)، کلید مصور قارچ شناسی (آسکومیستها)، نشر مشهد.

گلنگها در شناخت مرز آلودگیهای زیست محیطی کاربرد دارند. (Ahmadjian, V., Ch.13, P.443-469).

زیانی که بعضی از گلنگها برای جانداران دیگر از سان حاصل می آورند نیز سزاوار بررسی و پژوهش

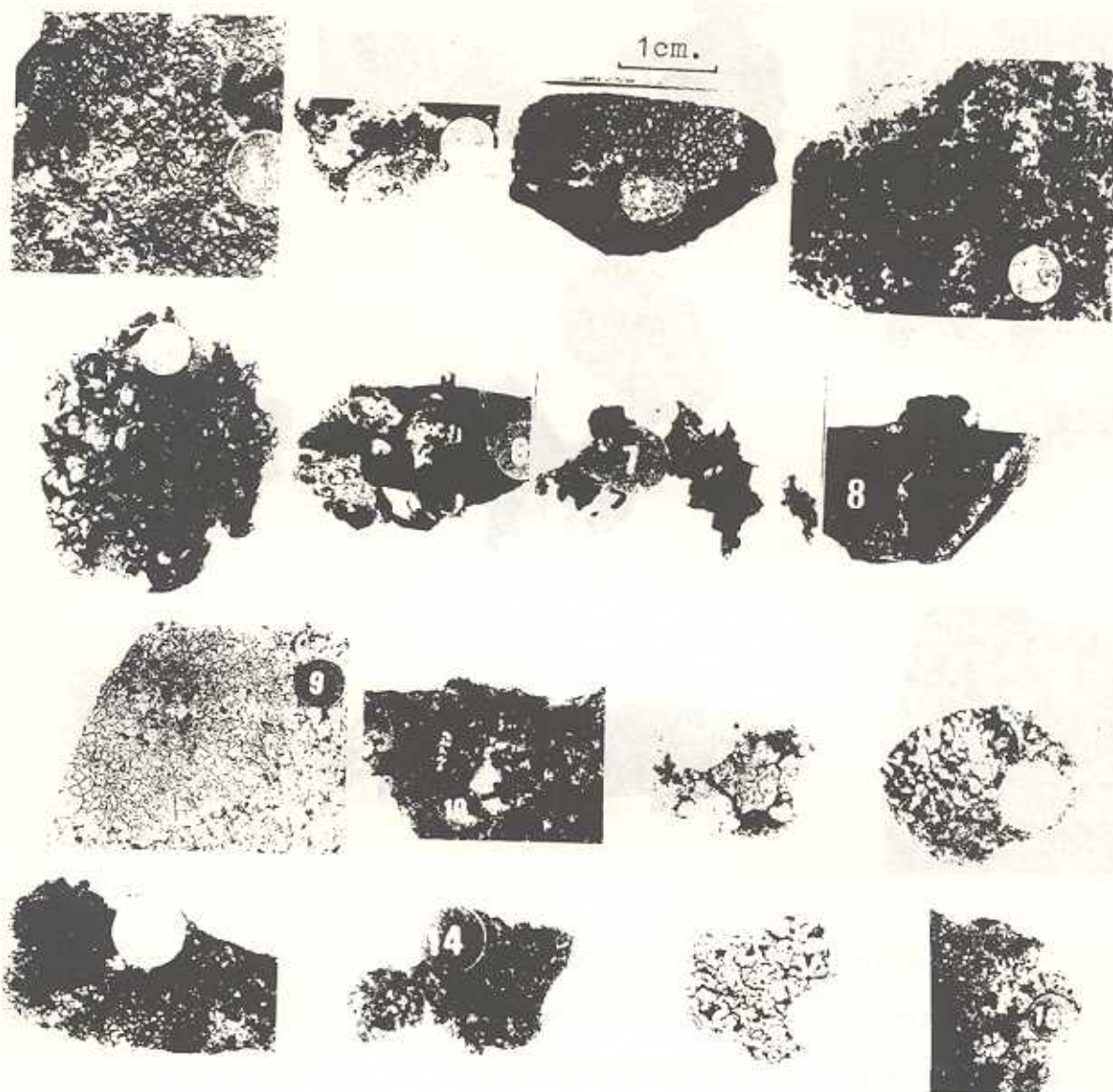
و نتیجه گیری

این پژوهش ۲۷ تاکسون از گلنگها شناسایی شد که آنها گلنگهای پوسته ای از نظر تعداد و سطح پوشش از بقیه هستند. گلنگهای پوسته ای در برابر تششهای مانند آفتاب و خشکی مقاومت بیشتری از خود نشان می دهند و بیشتر شیب های جنوبی را اشغال کرده اند، در حالی که بوته ای و برگری و پولکی بر صخره های شمالی و برآوانترند.

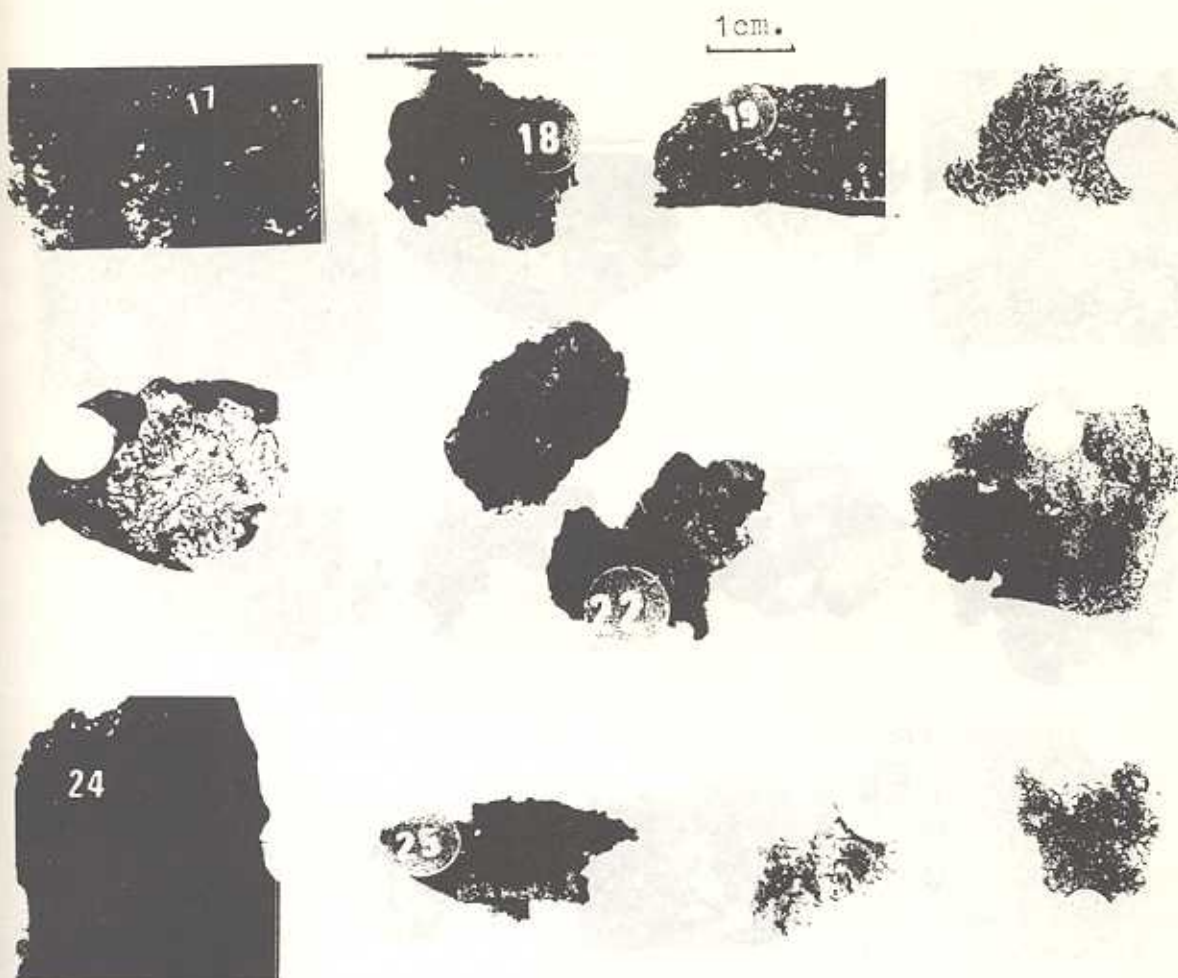
نظر گوناگونی، گلنگهای برگری نافدار مقام اول را دارا با افزایش ارتفاع تنوع و تعداد آنها افزایش می یابد. فاه گلنگها مختلف است: درماتوکاریون سقف غارهای و حفرات داخل سنگها و نیز شکافهای عمودی صخره ها پوشاند و گزانتور یا بیشتر بر شیبهای بیش از ۹۰ درجه بد از میان گلنگهای منطقه، گزانتوریا، درماتوکاریون و واریته مینیاتوم، اسکوامارینا گیساسه آ، پارمه لیا و امبراناسه آنسیت به آلودگی هوا مقاوم اند. گونه کارین که نام برده شد در مناطق آلوده و پاک هر دو دارد، اما درصد پوشش آن در منطقه پاک دو برابر منطقه است. وسعتی که هر یک از گونه های گلنگ در منطقه به اختصاص داده اند قطری بین ۱ - ۶ سانتیمتر دارد و ولی تنگهایی نیز وجود دارند که یک تا ۰.۵ میلیمتراند و لان این حالت گلنگهایی مانند لکانورامورالیس گاهی می به قطر ۱۷ سانتیمتر را می پوشاند و ممکن است برای زیستگاه بر روی چندین گلنگ و خزه پیشروی کند. از

ب - خارجی :

- Adjian, V., Hale, M.E. 1973. The Lichens. Acad. Press, 697 P.
- Arman, J.J. 1958. Phytosociology of cryptogamic communities. Assen, 628 P.
- Boudiere, A., Letrouit - Gatinois, M.A. 1988. Ascomycetes and ascomata. In The Handbook of Lichenology, CRC Press.
- Boudiere, O., Roux, C. 1990. Champignons lichénisés et saxicoles de la France méridionale Corse comprise: espèces nouvelles et intéressantes VI. Bull. Soc. Linn. Provence 41: 117 - 138.
- Boudiere, O., Roux, C. 1991. Champignons lichénisés et saxicoles de la France méridionale Corse comprise: espèces nouvelles et intéressantes V. Bull. Soc. Linn. Provence 42: 141 - 152.
- Boudiere, O., Roux, C., Wirth, V. 1991. Buellia heideggeriana Boudiere et Roux sp. nov., espèce nouvelle de lichen. Nova Hedwigia 52: 161 - 172.
- Boissier, E. 1859. Aufzählung der auf Einer Reise Durch Transkaukasien und Persien Gesammelten Pflanzen: 240 - 244.
- Burkholder, P.R., Evans, A., McVeigh, L., and Thornton, J. 1945. Antibiotic activity of lichen Proc. Acad. Sci. 30: 250 - 255.
- Clauzade, G., Roux, C. Acarospora undata sp. nov. Bull. Mus. Hist. Nat. Marseille, 1981, 44: 35 - 39.
- Clauzade, G., Roux, C. Les Acarospora de l'Europe occidentale et de la région méditerranéenne. Bull. Mus. Hist. Nat. Marseille, 1981, 41: 41 - 93.
- Clauzade, G., Roux, C. 1985. Lichen of occidenta Europe. Soc. bot. Centre - Ouest, ed. Royan, 893 + 12.
- Clauzade, G., Roux, C. 1987. Lichen of occidenta Europe. Lichens d'Europe occidentale, 2e supplement. Bull. Soc. bot. Centre - Ouest, 18: 177 - 214.
- Clauzade, G., Roux, C. 1989. Lichen of occidenta Europe. Lichens d'Europe occidentale, 3e supplement. Bull. Soc. Linn. Provence, 40: 73 - 110.
- Codogno, M., Poelt, J., Puntillo, D. 1989. Umbilicaria freyi new species and U. hirsuta agg. in Europe. Lichens Umbilicariaceae, Plant Syst. evol. 165, 1/2: 55 - 70.
- Galun, M. 1988. Handbook of Lichenology, Vol I, II and III. CRC Press.
- Hale, M.E. 1968. Lichen Handbook. Smithsonian Institution Press, 178 P.
- Harmala, P., Hiltunen, R., Oksman - Caldentey, K. M. 1992. Isolation and in vitro cultivation of lichen algae and their antimicrobial properties. Fitoterapia, LXIII, N. 3.
- Hawksworth, D. L. et al. 1983. Dictionary of the Fungi Including the Lichens. Commonwealth Mycological Institute.
- Kershaw, K. A., Alvin, K. L. 1963. The observer's book of Lichens. Frederick Warne, 126 P.
- Ménard, T., Roux, C. 1991. Lichens et groupements lichéniques saxicoles - calcifuges de la Ciotat et d'Evenos - basse Provence. Bull. Soc. Linn. Provence, 42: 91 - 116.
- Ozenda, P., Clauzade, G. 1970. Les Lichens. éd. Masson et Cie, 801 P.
- Reynold, D.R. 1981. Ascomycete Systematics - The Luttrellian Concept, Springer - Verlag.
- Roux, C. 1979 - 1980. Typification des syntaxons lichéniques nouveaux décrits par Asta, J., Clauzade, G. et Roux, C. entre 1973 et 1978. Bull. Soc. Linn. Provence, 32: 57 - 64.



- 1- *Acarospora* sp. 2- *Aspicilia* sp. 3- *Aspicilia coronata*
 4- *Buellia* sp. 5- *Dermatocarpon miniatum* var. *complicatum*
 6- *Dermatocarpon miniatum* var. *miniatum* 7- *Dermatocarpon weberi*
 8- *Lecanora albula* 9- *Lecanora muralis*
 10- *Lecidea atrobrunnea* 11- *Lepraria membranacea*
 12- *Parmelia* sp. 13- *Pertusaria* sp. 14- *Physcia* sp.
 15- *Ramalina* sp. 16- *Rhizocarpon geographicum*



- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| 17- <i>Rhizoplaca chrysoleuca</i> | 18- <i>Rhizoplaca melanophthalma</i> |
| 19- <i>Sarcogyne regularis</i> | 20- <i>Squamarina gypsacea</i> |
| 21- <i>Squamarina stella</i> | 22- <i>Umbilicaria decussata</i> |
| 23- <i>Umbilicaria hirsuta</i> | 24- <i>Umbilicaria microphylla</i> |
| 25- <i>Umbilicaria nylanderiana</i> | 26- <i>Umbilicaria polyphylla</i> |
| 27- <i>Xanthoria elegans</i> | |

24. Roux, C. et al., 1986, Les Bases de la systematique modern des lichens, Bull. Soc. bot. Fr., 133, Actualités bot. 1986 - 2: 7 - 40.

The study of lichens at northern altitudes of Tehran

Dyanat - Nejad, H., Keramedini, M.

Department of Biology, Tarbiyat Moallem University, Tehran, Iran

Abstract :

In order to determine the lichens of northern altitudes of Tehran, a mountainous region was chosen in the area. Sampling was made at Farah - Zad valley, Emami - Zadeh Davoud, Tochal peak and Golab - Darreh at 12 stations. Each thallus morphologically belonged to crustose, foliose, fruticose, or squamose type. Crustose lichens were the most resistant against unfavourable conditions, such as extreme shade, drought, and extreme sunlight, and had the widest cover. *Lecanora muralis* and *Xanthoria* were found all over the region, while *Umbilicaria* grew on rocks at hight of above 3000 m. Substrates of the lichens, mostly rocks or other lichens, often were dry and had calcareous acidic of basic qualities. *Dermatocarpon miniatum*, *Squamarina gypsacea* and *Xanthoria* were the most resistant ones against air pollution, and together with *Lepraria membranacea* and *parmelia* they were found in the polluted region of "Sir - e - Band" (station no. 1). Other lichens were not found in the polluted region.

This article deals with 20 lichens at species level and 7 specimens as genera level. Distribution of these species in relation to environmental factors, such as height, direction of slopes, humidity and air pollution were discussed.

کشت دانه های گرده تعدادی از پروانه واران (Papilionoideae) و اثر دما بر رویش و

لوله های گرده در آنها

دکتر احمد مجد - فرخنده رضا نژاد

گروه زیست شناسی - دانشکده علوم - دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

رشد لوله های گرده بسیار ناچیز است. از حدود 15°C رشد لوله های گرده سریع می شود و تا رسیدن به حدود 30°C می باید افزایش دما به 35°C تا 40°C موجب کاهش رشد لوله های گرده می شود و دمای بیش از 40°C موجب توقف رشد لوله های گرده می شود. رشد لوله های گرده نسبت به رویش گرده در برابر تنش های سرد یا گرمایی حساس تر است و در مجموع نیاز دمایی بالاتری دارد.

مقدمه

کشت دانه های گرده در شرایط آزمایشگاهی و مقایسه نتایج رویش و رشد طبیعی لوله های گرده به منظور شناسایی شرایط برای کشت، داشت و برداشت گیاهان، به دست آوردن گیاهان، تجربیات مربوط به دست ورزی ریشه ها، بررسی اثر عوامل مختلف بر رویش و رشد لوله های گرده و تشکیل آنروزوئیدها و روش های مناسب و متداول پژوهشی کنونی است. دست یافتن به کشت مناسب برای گرده های گونه ها یا سرده های مختلف نیاز به توجه پژوهشگران زیادی از جمله (Brink, 1924) (Brewbaker and Kwack, 1963) (Pfleider, 1967) (Heslop-Harrison, 1992) (Rebec et al., 1992) است که با تجربیات خود به ترتیب محیط های مناسبی را برای کشت

دانه های گرده سویا *Glycine max*، یونجه *Medicago sativa* و نخود *Cicer arietinum* در محیط های کشت مختلف کشت شد و در دماهای مختلف از صفر تا 40°C درجه با گام های 5°C درجه قرار گرفت. در شماری از آزمون ها پس از اثر تنش سرما یا گرما بر گرده ها، نمونه های کشت شده به دمای مناسب برده شد. نتایج آزمون ها نشان داد که محیط اصلاح شده Pfahler (1967) 15 برای کشت گرده های این گیاهان مناسب است. درصد رویش گرده های هر سه گونه گیاه مورد تجربه تا رسیدن دما به 5°C بسیار ناچیز است از 5°C تا 10°C رویش گرده ها کم است. آستانه رویش فعال گرده این گیاهان حدود 15°C است و بیشترین رویش گرده ها در دمای 15°C تا 20°C می باشد. پس از آن تا رسیدن دما به 30°C تغییر قابل توجه و معنی داری در میزان رویش گرده ها دیده نمی شود از 35°C تا 40°C میزان رویش گرده ها کاهش می یابد به نحوی که در 40°C دمای بیش از آن رویشی خوب صورت نمی گیرد. مقاومت گرده های یونجه در برابر افزایش دما به طور نسبی از گرده های نخود و سویا بیشتر است.

رشد لوله های گرده نیز همانند میزان رویش گرده ها و با شدتی بیشتر تحت تاثیر تغییرات دما قرار می گیرد. تا رسیدن دما به 5°C